فصل‌نامه علمی ـ پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام
سـال سوم، شماره یازدهم، پاییز ۱۳۹۲
صفحات ۲۹ – ۴۵

عملکرد سیاسی حکومت شیعی‌مذهب بنی‌منقذ در شیزر (۵۵۲-۴۷۴ ق)[۱]

شکرالله خاکرند*
لیدا مودت**

چکیده

پیدایی بحران‌های سیاسی و اقتصادی نیمه دوم قرن پنجم هجری در خلافت فاطمیان و منازعات آنان با سلجوقیان در شام به تأسیس حکومت‌های محلی در این منطقه انجامید. دولت بنی‌منقذ شیعی‌مذهب در شیزر، از این حکومت‌ها بود که میانه سال‌های ۵۵۲-۴۷۴ در شیزر (شمال غربی حماه) تاسیس شد و در تحولات سیاسی شام و تعامل با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان، تأثیر گذارد و سرانجام در پی وقوع زلزله‌ای سخت (۵۵۲ ق) در شیزر از میان رفت. بر پایه یافته‌های پژوهش، امیران بنی‌منقذ با سیاستی کارآمد و بهره‌گیری از استحکامات شیزر، به‌رغم محدود بودن قلمرو خود موفق شدند استقلالشان را حفظ و پایه‌های حکومتشان را تثبیت کنند. این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای و با استناد به منابع اصلی به دنبال بررسی تعامل سیاسی و برخوردهای این دولت با سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام است.

کلیدواژگان

شیزر، روابط بنی‌منقذ و سلجوقیان، روابط بنی‌منقذ و صلیبیان، روابط بنی‌منقذ و اسماعیلیان.

---

۱. تاریخ دریافت ۹۲/۲/۱۸ تاریخ پذیرش ۹۲/۶/۱۲.

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شیراز، گروه تاریخ، شیراز، ایران. khakrand@shirazu.ac.ir

** دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شیراز ، گروه تاریخ، شیراز، ایران. lidamavadat@gmail.com

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

طرح مسئله

منطقه شام به‌ویژه شیزر در شمال شام از دید جایگاه نظامی (سوق الجیشی) نزد سلجوقیان و صلیبیان قرن‌های پنجم و ششم هجری، بسی مهم بود. این دولت‌ها در پی تسلط بر این شها بودند و از این‌رو، پایداری مردمان شیزر به پیروی از امیران بنی‌منقذ، روی‌دادی تأمل‌پذیر می‌نماید. حکومت بنی‌منقذ در سده‌های پنجم و ششم هجری به گونه‌ای تأثیرگذار با حکومت‌های سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام پیوند داشت. این حکومت خود دارای شهر مهمی نبود، اما جایگاه شیزر موجب می‌شد که حکومت بنی‌منقذ از موثرترین حکومت‌های محلی منطقه شام در این قرون به شمار آید.

مسئله اصلی پژوهش، تحلیلی درباره عمل‌کرد امیران بنی‌منقذ در برابر سلجوقیان، صلیبیان و اسماعیلیان شام و فرضیه‌اش بر این پایه استوار است که امیران بنی‌منقذ موفق شدند با بهره‌گیری از خلأ قدرت سیاسی برتر در منطقه شام، حکومتی تأسیس کنند و پس از این، امیران دولت بر پایه سیاست‌های واقع‌بینانه، به دفع یورش‌های صلیبیان و اسماعیلیان شام و تثبیت حکومت خود پرداختند. پژوهش مستقلی به فارسی در این‌باره صورت نپذیرفته، اما پژوهش‌های تازه و اندکی به عربی در این‌باره سامان یافته است که از مقاله «قلعه شیزر در گذشته و حال» نوشته کامل شحاده و «شیزر در میراث و تاریخ» نوشته هاشم صالح مناع، از برجسته‌ترین آنها به شمار می‌روند. این مقاله‌ها بیش‌تر به جغرافیای تاریخی شیزر و به شکلی گذرا به خاندان بنی‌منقذ پرداخته‌اند، اما نویسنده در پی شرح و بسط عمل‌کرد سیاسی خاندان بنی‌منقذ است.

شیزر در گذر تاریخ

شهرهای مهم شام در چهار سوی شیزر قرار داشتند: انطاکیه، دمشق، طرابلس و حلب به ترتیب در شمال، جنوب، جنوب غرب و شمال‌شرق. منطقه شیزر قلعه‌ها و باروهای استوار و از سوی دیگر به شهرهای مهم شام دسترس داشت. قلعه شیزر با توجه به اهمیت راهبردی (استراتژیک)اش پس از ورود مسلمانان به شام تا روی کارآمدن بنی‌منقذ، پیوسته دست‌خوش یورش بیزانس، حمدانیان و فاطمیان بود. این حکومت‌ها در پی چیرگی بر این نقطه حساس و سوق الجیشی بودند. پس از ورود مسلمانان به

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

منطقه شام، مردمان شیزر شهر را ر پایه پیمان صلحی بـه آنـان واگذاردنـد (۱۷ ق)، امـا بیزانس از منطقه شام و شیزر غافل نبود، بلکه در قرون نخستین هجـری بارهـا بـه ایـن شهر یورش برد (یاقوت حموی، ۳/ ۳۸۳). نقفور فوکاس امپراطور بیزانس سده چهـارم هجری و سیف‌الدوله حمدانی برای نفوذ بیش‌تر به شمال شام، به کشمکش با یـک‌دیگر پرداختند. بر اثر اهمیت شیزر و قلعه مستحکمش، این شهر بارها میان آن دو دسـت بـه دست گشت (ابن‌خلکان، ۳/ ۴۰۵؛ مولر، ۶۹).

پس از مرگ سیف‌الدوله حمدانی، بزرگ‌ترین مانع نقفور در شام از میـان رفـت و او به آهنگ آن سـامان راه افتـاد (۳۵۷ ق) (ابن‌عبـری، ۲۲۳ و ۲۹۳). سـعدالدوله جانشـین سیف‌الدوله در این هنگامه می‌کوشید که در برابـر نقفـور بایسـتد، امـا نقفـور شـیزر را تصرف و مسجد جامع آن‌جا را سوزاند و محافظانی رومی بر شیزر گماشت (ابن‌عـدیم، ۱/ ۱۵۷ و ۱۶۹ و ۲۳۲؛ انطاکی، ۱۳۱؛ ابن‌ظافر ازدی، ۱۷). العزیز خلیفه فـاطمی نیـز در پی نفوذ به منطقه شام بود (ابن‌قلانسی، ۳۸). منجوتکین به فرمان خلیفه فاطمی، شیزر را گرفت (۳۸۴ ق) (انطاکی، ۱۷۶). شیزر در این زمان در دست سعدالدوله حمـدانی بـود. وی برای مقابله با فاطمیان از امپراطور بازیل کمک خواست. امپراطور بازیل نیز به شیزر حمله برد و شهر را گرفت (۳۸۹ ق) (ابن‌تغری بردی، ۲/ ۵۰۲؛ ابن‌عـدیم، زبـده‌الحلب، ۱/ ۱۹۲) از این‌رو، شـیزر کمـابیش تـا هشـت دهـه، در دسـت رومیـان بـود تـا اینکـه سدیدالملک علی بن‌منقذ توانست آن‌جا را بگیرد (۴۷۴ ق) و به قـدرتی منطقـه‌ای بـدل کند (ابن‌خلکان، ۳/ ۴۰۹).

نسب و مذهب بنی‌منقذ

بنی‌منقذ از قبیله کنانه بودند که از طوایف عذره بن‌زید الـلات کلبـی از قبیلـه عـرب قحطانی به شمار می‌رفت (ابـوشـامـة، ۱/ ۱۱۱؛ قلقشندی، ۱/ ۳۱۶). قبیله کنانه سده سوم هجری در شمال شام (نواحی رود عاصـی) سـاکن شـد (یعقـوبی، ۸۶). بنی‌منقـذ همچون بیش‌تر قبایلی که در بلاد شام برای دست‌یابی به قدرت برخاسته بودند، تبـاری بدوی داشتند. گمان می‌رود آنان پس از اینکه علی بن‌منقذ بن‌نصر الکنانی نخسـتین بـار در ۳۴۹ در نبرد با روم شرقی اسیر شد، در صحنه روی‌دادهای تاریخی ظاهر شده باشد (اسامه بن‌منقذ، ۱۳). گفتنی است بنی‌منقذ خاندانی شیعه‌مذهب بودند (اسامه بن‌منقـذ، ۱۰۷،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

.(۱۴۶

حکومت بنی‌منقذ در مسیر پیش‌رفت

ظهور بنی‌منقذ در جایگاه نیروی سیاسی تأثیرگذار، از تأسیس سلسله بنی‌مرداس در حلب سرچشمه می‌گیرد. صالح بن‌مرداس مؤسس حکومت بنی‌مرداس، در حلب استقلالش را در برابر فاطمیان اعلام کرد (۴۱۵ ق). صالح بن‌مرداس ناحیه شیزر را به فردی از پیروانش به نام مقلد بن‌نصر بن‌منقذ اقطاع سپرد (۴۱۷). (ابن‌اثیر، ۹/ ۲۱۰–۲۱۱). شیزر در این زمان در دست بیزانس و املاک مقلد بن‌نصر تا رود عاصی گسترده بود. او هم‌چنین کفرطاب چیرگی داشت (۴۳۷ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۷۰).

مقلد بن‌نصر بن‌منقذ تا هنگام مرگش (۴۵۱ ق) در تصرف منطقه شیزر توفیق نیافت، اما پسرش سدیدالملک علی مؤسس حقیقی امارت بنی‌منقذ، این منطقه را گرفت و امارت خود را پایه گذارد. سدیدالملک ابوالحسن نخست از سرکردگان محمود بن‌صالح بن‌مرداس از امیران بنی‌مرداس در حلب به شمار می‌رفت، اما محمود در پی دست‌گیری وی بود. سدیدالملک به دربار بنی‌عمار در طرابلس گریخت. امیر مرداسی به سدیدالملک علی نامه نوشت و کوشید تا او را به دستگاه خویش بازگرداند (ابن‌حیوس، ۸۴)، اما سدیدالملک علی به جای بازگشت به خدمت محمود بن‌صالح بن‌مرداس، در پی کسب قدرت بیش‌تر در آن منطقه بود.

سدیدالملک علی در سرزمین شمالِ شام، پیش از تصرف شیزر و تأسیس حکومت، نیروی سیاسی تأثیرگذاری به شمار می‌رفت. بنابراین، در طرابلس حاضر شد (۴۶۴ ق) و از سویی، امین‌الدوله امیر بنی‌عمار از دنیا رفت و درباره جانشینی وی اختلاف افتاد. سدیدالملک با فراخواندن نیروهای خود از کفرطاب به پشتیبانی از جلال‌الملک پرداخت (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۷۱؛ ابن‌خلدون، ۵/ ۴۶۱؛ ابن‌خیاط، ۴۹، ۸۳، ۹۱) و سرانجام جلال‌الملک به کمک ابن‌منقذ (ابن‌قلانسی، ۱۱۴) بر رقیبان چیره شد و دشمنانش را از طرابلس بیرون و دور کرد. پس از این، جایگاه ابن‌منقذ استواری یافت و از خواص جلال‌الملک شد. جلال‌الملک وی را در حکومت طرابلس شریک کد؛ چنان‌که جایگاهی همانند خود وی یافت (ابن‌عدیم، ۲/ ۳۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

سدیدالملک در انقراض حکومت بنی‌مرداس در حلب و گرفتن این شهر بـه واسـطهٔ مسلم بن‌قریش، حاکم عُقَیلی موصل، مؤثر بود (۴۷۳) (ابن‌عدیم، ۲/ ۷۰ و ۱۴۵). سقوط سلسله بنی‌مرداس و از سوی دیگر نفوذ فراوان سدیدالملک در منطقه شام، وی را بر آن داشت که سهم بیش‌تری از این منطقه داشته باشد. بنابراین، قلعه شیزر را از دست رومیـان گرفت (۴۷۴ ق) و این خود سرآغاز پیدایی حکومت بنی‌منقذ در شیزر بـود (ابن‌عـدیم، ۱/ ۲۲۳). اسامه بن‌منقذ داستان چیرگی نیاکانش را بر شیزر چنین توصیف می‌کند:

> در شیزر یک فرمان‌رَوای رومی به نـام دمتـری بـود و پـدربزرگم بـا طـرح پیش‌نهاداتی قلعه شیزر را تحویل گرفت. از جمله پیش‌نهادات، پرداخت مال به دمتری و نگه‌داشتن امـلاک اسـقف آن‌جـا بـود. دمتـری همچنـان تحـت حمایـت پـدربزرگم در قلعـه سـاکن بـود تـا اینکـه در شـیزر درگذشـت. بدین‌ترتیب قلعه شیزر را در روز یکشـنبه مـاه رجـب ۴۷۴ بـه دسـت آورد (اسامه بن‌منقذ، ۱۵).

هنوز زمان بلندی از تصرف شیزر نگذشته بود که مؤیدالدوله علی، برادر شرف‌الدوله مسلم عقیلی، حاکم جدید حلب این قلعه را محاصـره کـرد (ابـوشـامـة، ۱/ ۱۱۱؛ الطباخ الحلبی، ۲/ ۳۰). پیش از این، مؤیدالدوله علی عقیلی یک‌بار آن را محاصره کـرده بود، اما در این زمینه کام‌یاب نبود. سدیدالملک بـه مـذاکره بـا وی پرداخـت تـا اینکـه توانست او را از شیزر دور کند (۴۷۵ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۷۷).

سدیدالملک علی در دوره امارتش به آبادانی شـیزر پرداخـت. علـی هنگـام مـرگش (۴۷۵ ق)، شهر بزرگی در دست نداشت، اما قدرت محلی مهمی شـمرده می‌شـد؛ زیـرا افزون بر شیزر، کفرطاب، افامیه، بندر لاذقیه و چند محل کوچـک‌تر را در برمی‌گرفـت. پس از سدیدالملک علی، عزالدوله ابوالمرهف نصر پسرش بر جای او نشست (۴۷۵ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۰۴). حکومت بنی‌منقذ در دهه‌های پس از مـرگ سـدیدالملک علـی بـا نیروهای سلجوقیان، صلیبیان و فداییان اسماعیلی درگیر شدند. توانـایی آنـان در حفـظ خودمختاری و قدرتشـان، وام‌دار سیاسـت‌گذاری‌های پسـران و جانشـیان سـدیدالملک علی، نصر (۴۷۵ـ۴۹۲ ق) و ابوالعساکر سلطان (۴۹۲ـ۵۴۹ ق) بود.

چیرگی سلجوقیان بر شام مهم‌ترین روی‌داد دورهٔ حکومت نصـر بن‌علـی، بـه شـمار

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

می‌رفت. او با درک این نکته که هیچ‌یک از حکومت‌های محلی بلاد شام نمی‌تواند در برابر سلجوقیان پایدار بماند، به سیاست سازش با سلجوقیان تن داد. هنگامی که سلطان ملکشاه سلجوقی حلب را تصرف کرد (۴۷۹ ق)، فردی را نزد امیر نصر فرستاد و امیر بنی‌منقذ به فرمان‌پذیری از او تصریح و بنابراین، ملکشاه حکومت وی را در شیزر تأیید کرد (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۰۵). از این‌رو، امیر نصر در برابر تملک شیزر، شهرهای کفرطاب، افامیه ولاذقیه را به سلطان ملکشاه واگذاشت. نصر در هنگامهٔ اوضاع آشفته پس از فتوحات سلجوقیان در شام، بهترین راه را برای حفظ منافعش، اتحاد با آق‌سنقر، حاکم گماردهٔ سلجوقی در حلب دانست، اما پس از مرگ ملکشاه (۴۸۵ ق)، امیر نصر منقذی توانست کفرطاب، افامیه ولاذقیه را بازپس گیرد (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۰۵؛ یاقوت حموی، ۵/ ۲۲۱).

پایداری حکومت بنی‌منقذ در برابر اسماعیلیان شام

امیر نصر پیش از مرگش، برادر خود مجدالدین‌ابی‌سلامه مرشد[1] را به جانشینی برگزید، اما پس از مرگ امیر نصر، مرشد از پذیرش حکومت خودداری کرد. از این‌رو، ابوالعساکر سلطان، پسر سدیدالملک علی بر جای وی نشست (ابوشامة، ۲/ ۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۰۴). دوران حکومت ابوالعساکر سلطان، در تاریخ حکومت بنی‌منقذ بسیار مهم بود؛ زیرا او از آغاز می‌بایست با دو نیروی صلیبیان و اسماعیلیان می‌جنگید.

اسماعیلیان شام در این برهه از زمان در منطقه شام گرفتاری‌هایی برای حکومت‌های مستقر در این دیار پدید آورده بودند. پس از مرگ رضوان از سلاجقه شام (۵۰۷ ق) پسرش، آلب ارسلان اخرس جانشین وی شد (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۱۷۵). آلب‌ارسلان در آغاز سیاست پدر را برای مماشات با اسماعیلیان در پیش گرفت، اما پس از فرمان محمد بن‌ملکشاه برای مبارزه با اسماعیلیان، به آهنگ مبارزه با آنان در شام به راه افتاد (ابن‌قلانسی، ۱۸۹-۱۹۰؛ ابن‌عدیم، ۲/ ۵۳۲-۵۳۳). بزرگان اسماعیلیان بر اثر فشارهای سلجوقیان شام بر آنان (۵۰۷ ق)، به اطراف حلب پراکنده شدند. اسماعیلیان بر این

۱. وی پدر اسامه بن‌منقذ صاحب الاعتبار است. مرشد بر اثر علاقه به نسَخ قرآن و صید و شکار، به نفع برادر کوچک‌ترش عزالدین ابی‌العساکر سلطان از فرمان‌روایی کناره گرفت و می‌گفت: «به فرمان‌روایی نرسید و از دنیا نرفت کسی همچنان که من وارد شدم» (ابوشامه، ۲/ ۱۱۱؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۰۴).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

شدند که به مناطق امن‌تر از دید طبیعت جغرافیایی بروند که مناطق قلعه شیزر از مهم‌ترین آنها بود (ابن‌عدیم، ۱/ ۱۴۵)؛ چنان‌که کمابیش صد تن از اسماعیلیان حلب، افامیه، سرمین، معّره‌النعمان و معّره‌مصرین به شیزر رفته بودند. ابراهیم عجمی که از این جرگه به شمار می‌رفت، به دژ شیزر (در دست ابوالعساکر سلطان) پناه برد (ابن‌عدیم، ۱/ ۱۴۵).

اسماعیلیان امیدوار بودند که شیزر را به دست آوردند و آن را به پایگاه جدیدی برای عملیات خود در شام بدل کنند (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۱۶۶). ازاین‌رو، بزرگان بنی‌منقذ بیرون از شیزر شاهد جشن‌های «عید قیام مسیح» میان رعایای مسیحی خود بود (۵۰۷ ق) که اسماعیلیان به کاری بی‌فرجام برای گرفتن آن‌جا دست زدند (اسامه‌بن‌منقذ، ۱۹۰؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۱۹۹). هنگامی که بنی‌منقذ به ارگ شیزر بازگشتند، به کمک مردم شهر، برج به برج با اسماعیلیان جنگیدند و سرانجام مهاجمان را بیرون کردند یا کشتند (اسامه بن‌منقذ، ۱۵۸–۱۶۰؛ابن‌قلانسی، ۳۰۳–۳۰۴).

قدرت اسماعیلیان در منطقه شام هر روز فزونی می‌گرفت. پس از این روی‌داد، داعیان اسماعیلی برای بنی‌منقذ تهدیدی دائم به شمار می‌رفتند تا اینکه قلعه قدموس را از صاحب آن سیف‌الملک بن‌عمرون خریدند (۵۲۵ ق)؛ سپس آرام‌آرام دژها و قلعه‌های مجاور را گرفتند و دژهای خَوابی و کهف را تصرف کردند (۵۳۲ ق) (ابوالفداء، ۱۰/۱). آنان هم‌چنین توانستند قلعهٔ مَصیاف را از دست بنی‌منقذ خارج کنند (۵۳۵ ق)؛ محلی که از آن پس، از استحکامات مهمشان شمرده می‌شد. حکومت اسماعیلیان شام پس از گرفتن این دژ بنیاد یافت. آنا بدین شیوه پیش رفتند تا اینکه یازده قلعه مهم را در شام به دست آوردند[1] (شیخ‌الربوه دمشقی، ۲۰۸).

روی‌کرد سازش و مقابله بنی‌منقذ در برابر صلیبیان

دو خلافت بزرگ جهان اسلام؛ یعنی عباسیان و فاطمیان پایان قرن پنجم هجری پس از نخستین حمله صلیبیان به مشرق، به سختی آسیب‌پذیر شده بودند و جهان اسلام در

۱. قلعه‌های اسماعیلیان، قلعه‌های دعوت (قلاع الدعوه) نامیده شدند. نام این قلعه‌ها چنین بود: خوابی، کهف، قدموس، علیقه، مینقه، رصافه، ابوقبیس، مصیاف، بلاطنس، مرقب و صهیون.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

آستانه نخستین یورش صلیبیان، به تفرقه، جنگ و درگیری‌های مذهبی دچار شد (قاسم، ۹۷).

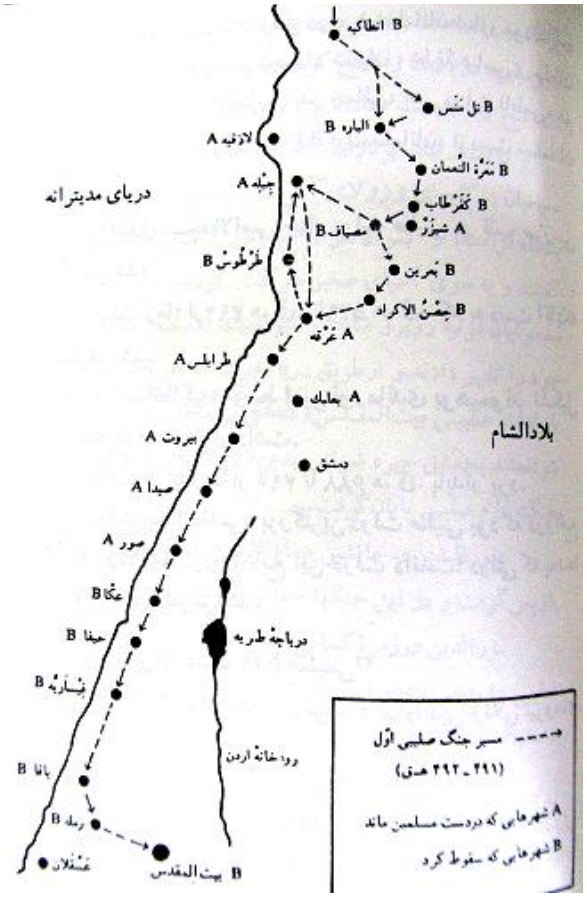

موقعیت سوق الجیشی شیزر

حمله صلیبیان به بلاد شام رسید (۴۹۱ ق) (ابن‌قلانسی، ۱۴۹–۱۵۰). یورش‌های آنان پس از فتح انطاکیه، به دو بخش تقسیم شد:

۱. لشکرکشی به نواحی شرقی آسیای صغیر؛

۲. لشکرکشی به سوی بیت‌المقدس.

صلیبیان به رهبری ریموند دو سان جیل[۱]، بخشی را از نواحی شام فتح کردند و به

۱. Raymond de Saint- Gille.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

رهبری ریموند به سوی قدس به راه افتادند (۴۹۲ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۴۳).

دولت بنی‌منقذ شیزر، از مهم‌ترین و برجسته‌ترین خاندان‌های حاکم هم‌دوره با نخستین یورش صلیبیان به شام بود (زکار، ۱/ ۴۱). وضع خاندان بنی‌منقذ نزد صلیبیان بسیار مهم می‌نمود. حکومت بنی‌منقذ سرزمین‌هایی را از رودِ عاصی تا دریای مدیترانه (مسیر راه صلیبیان) در دست داشت. بنابراین، دوستی یا بی‌طرفی این خاندان برای پیش‌رفت کار صلیبیان بسیار مهم بود. بنی‌منقذ نخست در اندیشه اتحاد با دیگر مسلمانان یا ایستادگی در برابر صلیبیان نبودند و بر پایه سیاستِ مدارا و سازش با آنان رفتار کردند. امیران بنی‌منقذ در آغاز در برابر حفظ مرزهای خودشان، هنگام گذشتن صلیبیان از سرزمین‌هایشان، به هم‌کاری با آنان پرداختند (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۲۷۸؛ ابن‌عبری، ۱۲۴)، اما پس از این، خطر صلیبیان را دریافتند و از سلطان سلجوقی در این‌باره کمک خواستند. صلیبیان پس از تصرف طرابلس (شهر مهم ساحلی آن منطقه) و سقوط حکومت بنی‌عمار (۵۰۲ ق) (ابن‌قلانسی، ۱۶۲؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۴۶۸)، بر یورش‌های خود به شیزر افزودند.

فرآیند رابطه بنی‌منقذ و صلیبیان را به دو مرحله می‌توان تقسیم کرد:

۱. هنگامی که بنی‌منقذ سیاست سازش و مدارا در پیش گرفت؛

۲. هنگامی که بنی‌منقذ بر پایه اتحاد با حاکمان مسلمان، به رویارویی پرداخت.

آخرین یورش مهم صلیبیان به شیزر به همراهی بیزانس صورت پذیرفت، اما شیزر در برابر این یورش نیز پایدارماند. ویلیام[۱] کنت ساردنی به شیزر تاخت (۵۰۲ ق) و ابوالعساکرسلطان، امیر بنی‌منقذ و برادرش، مرشد از آن‌جا گریختند، اما دیری نگذشت که بار دیگر به دژ شیزر بازگشتند. بالدوین[۲] در همین سال به شیزر لشکر کشید، اما ابوالعساکر سلطان با فرستادن هدایایی، بالدوین را از یورش به دژ بازگرداند. حاکم صلیبی طرابلس نیز به شیزر حمله کرد (۵۰۳ ق)، اما بر اثر استحکام قلعه شیزر، در این زمینه کام‌یاب نبود (اسامه بن‌منقذ، ۵۵). تانکرد[۳] نایب الحکومه انطاکیه، شیزر را به

۱. William.

۲. Baldwin.

۳. Tancred.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

سختی تهدید کرد (۵۰۴ ق) و ابوالعساکر سلطان این بار نیز با فرستادن هدایایی از نبـرد با او بیاسود (Hitti, ۱۷۸-۱۸۱).

هنگامی که ریموند از معره النعمان به سوی کفرطاب می‌رفت، امیر بنی‌منقذ خطـر او را دریافت. امیر عزالدین ابوالعساکر سلطان بن‌منقذ در پیمانی با صلیبیان به آنان رخصت داد که در منطقه شیزر تردد کنند و درباره تأمین مواد غذایی‌شان و همراه کردن راهنما با آنان، متعهد شد. هم‌چنین صلیبیان می‌توانستند در مرزهـای شـیزر بـه خریـد و فـروش بپردازند، اما متعهد شدند که به شیزر هجوم نبردند (عاشور، ۱۰۸). امیر بنی‌منقذ در ایـن مرحله سیاست مدارا و سازش را در پیش گرفت. سلطان محمد سلجوقی از ۵۰۴ قمری در بغداد به مقابله با صلیبیان تصمیم گرفت. مودود بن‌زنگی حـاکم موصـل، بـه فرمـان سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان پیش رفت (۵۰۵ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۵۴). وی به کمک همسایگان تُرک و کُرد خود امیر میافارقین، مراغه، تبریز، دیاربکر، مـاردین و اربیل، لشکری فراهم آورد و راهی سنجار شد. با انتشار این خبر، ابوالعسـاکر سـلطان بن‌منقذ، حاکم شیزر پیغام فرستاد و از آنان درخواست کرد تا نخست به نجات او شتاب کنند (Smail, ۱٤۲؛ ابن‌قلانسی، ۱۶۹).

تانکرد که در برابر شیزر اردوگاه زده بود، در ایـن زمـان از سـلطان بالـدوین کمـک خواست. از سویی، متحدان مودود پراکنده شدند و از سوی دیگر شمار صلیبیان فزونـی گرفت. بنابراین، مودود در مقابله با آنان ناتوان ماند و عقب نشست (ابن‌قلانسـی، ۱۶۹؛ ابن‌اثیر، ۱۰/ ۴۸۵ ـ ۴۸۶). از این‌رو، کمـک‌خواهی سـلطان بن‌منقـذ بـه فرجـام نرسـید. تانکرد باری دیگر به شیزر تاخت (۵۰۷ ق)، اما با رسیدن نیروهای سلجوقی بـه اَفامیـه، از شیزر عقب نشست. پس از کشته شدن امیر مودود، برسق بن‌برسقی به فرمان سـلطان محمد سلجوقی جانشین وی، به مقابله با صلیبیان پرداخـت (ابن‌عـدیم، ۲/ ۱۵۴). عـزم سلطان محمد سلجوقی برای مقابله با صلیبیان، بر اثر فشارهای صـلیبیان بـر ابوالعسـاکر سلطان بن‌منقذ که از حامیان او بود، راسخ‌تر شد. برسقی به امر سـلطان محمـد سـپاهی فراهم کرد (۵۰۸ ق) و به جنگ صلیبیان رفـت (ابن‌اثیـر، ۱۰/ ۵۰۱-۵۰۲؛ ابن‌کثیـر، ۱۲/ ۱۷۶-۱۷۸).

با توجه به اینکه بنی‌منقذ از تابعان سلطان سلجوقی بودند، برسقی پایگاه خـود را در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

شیزر قرار داد. صلیبیان در این هنگام به رهبری بالدوین و پونس کنت طرابلس به سوی برسقی هجوم بردند. برسقی با تدبیرهایی موفق شد بالدوین و پونس را متفرق کند. بنابراین، وی کفرطاب را با زد و خورد کوتاهی فتح کرد و آن را به ابوالعساکرسلطان سپرد (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۰۱-۵۰۲)، اما پس از زمانی، صلیبیان توانستند سپاهیان برسقی را در تپه دانیث شکست دهند (ابن‌کثیر، ۱۲/ ۱۷۸-۱۷۹). پیروزی صلیبیان را در تپه دانیث به آخرین تلاش شاهان سلجوقی برای باز پس گرفتن شام می‌توان تعبیر کرد؛ زیرا در این برهه سلطان محمد سلجوقی بر اثر مشکلات داخلی قلمرو خود، در لشکرکشی به شام ناتون بود. ازاین‌رو، راجر[1]، شاهزاده انطاکیه، نیروهایش را به سوی کفرطاب فرستاد و این قلعه را از بنی‌منقذ بازپس گرفت (اسامه بن‌منقذ، ۱۰۶).

دولت‌های صلیبی در دهه اول قرن ششم هجری کمابیش در شمال شام تثبیت شده بودند (رانسیمان، ۲/ ۱۵۵)، اما ایلغاری، امیر ارتقی از امیران شام در پی این بود که بر صلیبیان آن سامان فشار آورَد. از این‌رو، وی به کمک امرای شام همچون سدیدالملک علی امیر بنی‌منقذ برای مقابله با صلیبیان سپاهیانی گرد آورد (۵۱۳ ق) (ابن‌عدیم، ۲/ ۱۸۹-۱۸۷). سلطان بن‌سدیدالملک امیر بنی‌منقذ متعهد شد که از جنوب راجر، بر شاهزاده انطاکیه فشار آورَد (ابن‌قلانسی، ۲۰۰-۲۰۱). صلیبیان در نبرد با سپاهیان مسلمانان شکست خوردند و راجر نیز کشته شد[2] (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۵۳-۵۵۵؛ ابن‌منقذ، ۴۰). حکومت بنی‌منقذ به همراهیِ دیگر حاکمان مسلمان، در این مرحله به پیروزی رسید.

ابوالعساکر سلطان در این هنگام در حکومت‌های منطقه شام بسیار نفوذ داشت. شماری از حاکمان صلیبی همچون بالدوین در جنگ بَلک بن‌بهرام ارتقی، جانشین ایلغاری با صلیبیان (۵۱۶ ق) اسیر شدند (ابن‌اثیر، ۱۰/ ۵۹۳ و ۶۱۰). پس از مرگ بَلک، بالدوین به شیزر نزد ابوالعساکر سلطان منتقل شد که این خود بر نفوذ ابوالعساکر سلطان در جریانات منطقه‌ای شام دلالت می‌کند. پس از آن وساطت ابوالعساکر سلطان بن‌منقذ نزد حسام‌الدین تمرتاش بن‌ایلغاری به سرانجام رسید و بالدوین مشروط از زندان آزاد شد (ابن‌عدیم، ۲/ ۲۲۲)، اما شماری از گروگان‌ها در شیزر نزد امیر بنی‌منقذ ماندند

۱. Roger.

۲. این نبرد در دشت بلاط نزدیک ارتاح رخ داد که پس از این، به دشت خون معروف شد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

(اسامه بن‌منقذ، ۱۳۳ و ۱۵۰).

برسقی می‌توانست مسلمانان را بر ضد صلیبیان شام متحد کند (۵۱۸ ق)، ازاین‌رو، برای مذاکره به شیزر نزد ابوالعساکر سلطان رفت. امیر شیزر که سیاستی جز حفظ حکومت و منافعش نداشت، گروگان‌های صلیبی را به وی سپرد. سپاهیان متحد برسقی در جنگ با صلیبیان شکست خوردند (ابن‌قلانسی، ۲۰۸-۲۰۹). بالدوین در این پیروزی غنیمت بسیاری به دست آورد که توانست با آنها سربهای (فدیه) گروگان‌ها را بپردازد. این گروگان‌ها پس از رهایی‌شان به حمله امیر حمص دچار شدند، اما بنی‌منقذ به یاری آنان شتافتند و نجاتشان دادند (ابن‌عدیم، ۲/ ۲۰۶-۲۱۰).

می‌توان گفت، امیر بنی‌منقذ در هر مقطعی از زمان، بر پایه سیاست حفظ حکومتش به کاری دست می‌زد. صلیبیان در این مرحله پیروز شده بودند و از همین روی، بنی‌منقذ محتاطانه رفتار می‌کرد. امیر بنی‌منقذ به‌رغم اینکه در کنار مسلمانان با صلیبیان می‌جنگید، به قدرت صلیبیان در منطقه پی برد. بنی‌منقذ در زمان‌ها و اوضاع گوناگون، سیاست و عمل‌کرد ویژه‌ای را برای حفظ حکومتش پی می‌گرفت.

امپراطور جان یوحنا کومنینوس[1] بر کیلیکیه چیره شد (۵۳۱ ق) شد (Cinnamus, ۲۱-۲۲) و ضبط و مهار کیلیکیه، مسیر انطاکیه را برای بیزانس باز کرد. امپراطور در همین سال با محاصره انطاکیه خواستار تسلیم این شهر بودند. ریموند، امیر انطاکیه با امپراطور بیعت کرد و شهر را به وی واگذارد. ریموند متعهد شد که اگر امپراطور بتواند شیزر را فتح کند، او آن را «کنت‌نشین» جدید بداند و انطاکیه را به امپراطور باز پس دهد. این قرارداد بر پایه معاهده دوول[2]منعقد شد[3] (Angold, ۱۵۶).

سپاه امپراطور به همراهی سپاهیان صلیبی به سوی جنوب رفتند (۵۳۲ ق). این حمله، آخرین یورش مهم صلیبیان به شیزر به شمار می‌رود. آنان قلعه‌های معره النعمان و کفرطاب را در نظر داشتند، اما هدف اصلی آنان، شیزر بود. شاید شیزر از چند منظر نزد بیزانس و صلیبیان مهم بوده باشد. از سویی، در مسیر حرکت مهاجمان به منطقه شام

۱. John Comnenus.

۲. Treaty of Devol.

۳. این معاهده در ۵۰۱ قمری منعقد شده بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

بود و ازسوی دیگر، مهاجمان گمان می‌کردند که این حکومت نزد زنگیان (بزرگ‌ترین دشمن مهاجمان)، مهم نبودند تا به مقابله با آنان بپردازند (Choniates & Magoulias, ۲۲).

در این زمان ابوالعساکر سلطان، امیر شیزر توانسته بود استقلال خود را از آسیب صلیبیان و اسماعیلیان حفظ کند. پیش‌رَوی امپراطور و صلیبیان به منطقه رود عاصی مانع پیش‌رَوی زنگیان بدان‌جا شد. بنابراین، مهاجمان تا ده روز پی در پی، از سوی کوه جریجیس شیزر را محاصره و سنگ‌باران کرد (۵۳۲ ق). اسامه بن‌منقذ برادرزاده ابوالعساکر سلطان شاهد زیان دیدن شیزر از منجنیق‌های بیزانسیان بوده است (ابن‌منقذ، ۲). امپراطور به‌رغم تلاش‌هایش برای محاصره شیزر، به عللی در این کار کام‌یاب نبود؛ زیرا از سویی ریموند رهبر صلیبیان بیم‌ناک بود با فرض سقوط شیزر، ناگزیر باید در آن‌جا ساکن شود. او می‌خواست بر انطاکیه (شهری مسیحی) مسلط باشد. چیرگی بر شهری چون شیزر که بیش‌تر ساکنانش مسلمان بودند، آن را از هجوم زنگیان آسیب‌پذیرتر می‌کرد (Angold, ۵۷). از سوی دیگر، ژوسلین[1] رقیب ریموند از حکومت وی بر شیزر خرسند نبود (ابوالفداء، ۳/ ۱۲-۱۳؛ ابن‌وردی، ۲/ ۵۹).

افزون بر مشکلات صلیبیان، استحکامات قلعه شیزر و سیاست مدبرانه ابوالعساکر سلطان، در ناکامی مهاجمان تأثیر گذارد. به‌رغم تلاش پی‌گیر امپراطور، شیزر ایستادگی کرد. امیر ابوالعساکر کسانی را نزد امپراطور فرستاد و از او درخواست کرد که در برابر دریافت خسارتی هنگفت[2]، از شیزر دست بردارد (ابن‌قلانسی، ۲۵۸-۲۵۹؛ ابن‌کثیر، ۲۱۲/۱۲). امپراطور که یاران صلیبی خود را در محاصره مصمم نمی‌دید، شروط امیر بنی‌منقذ را پذیرفت و از محاصره دست کشید (ابن‌اثیر، ۱۱/ ۵۳ و ۵۹؛ ابن‌عدیم، ۲/ ۱۹۷). شیزر در برابر آخرین هجوم مهم صلیبیان به دلایل یاد شده، پایداری ماند، اما صلیبیان تا هنگام مرگ سلطان امیر بنی‌منقذ به شیزر یورش می‌بردند و مردم شیزر در برابر آنان می‌ایستادند (رانسیمان، ۲/ ۲۴۸-۲۵۰).

---

۱. Joscelin.

۲. افزون بر اینها، او خزانه سرشار و لوح گوهرنشانی داشت که آن را در نبرد ملازگرد از امپراطور رومانوس به غنیمت گرفته بود.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

فروپاشی حکومت بنی‌منقذ

ابوالعساکر سلطان در ۵۴۸ قمری درگذشت و پسرش تاج‌الدوله، آخرین فرمان‌رَوای شیزر، بر جای او نشست. زلزله بزرگی در روزگار او در هنگامهٔ جشن بنی‌منقذ در شیزر، رخ داد (۵۵۲ ق) و خاندان بنی‌منقذ زیر آوارها جان باختند و حکومتشان پایان یافت (ابن‌عدیم، ۲/ ۳۰۶-۳۰۷؛ ابوشامه، ۱/ ۱۱۱). پس از این زلزله، اسماعیلیان و صلیبیان در پی چیرگی بر این قلعه بودند (ابن‌قلانسی، ۳۰۳-۳۰۴). نورالدین زنگی برای جلوگیری از افتادن شیزر به دست اسماعیلیان، به سرعت با صلیبیان بدان سو ره سپرد و این سرزمین را به دست آورد (اسامه بن‌منقذ، ۱۷ به بعد). وی برای بازسازی شیزر، مجیدالدین بن‌الدایه را به حکومت بر آن گماشت. این خاندان در جایگاه حاکمان شیزر، زمان بلندی بر این سرزمین حکم راندند تا اینکه امیر ایوبی حلب، آنان را برکنار کرد (۶۳۰ ق) و شیزر را به دست گرفت (قلقشندی، ۱/ ۴۵۷).

نتیجه

حکومت محلی بنی‌منقذ در شام (قرن پنجم و ششم هجری) از اهمیت فراوانی برخوردار بود. شهر شیزر (شمال غربی حماه) از سویی نزد سلجوقیان و از سوی دیگر نزد صلیبیان، جایگاه ویژه‌ای داشت. امیران بنی‌منقذ با پیش گرفتن سیاستی کارآمد، موفق شدند که حکومتی را بنیاد بگذارند و هشت دهه حاکم باشند. این آگاهی سیاسی در تعامل آنان با قدرت‌های بزرگ و حکومت‌های هم‌سایهٔ شام، رخ می‌نمود. دوران حکومت ابوالعساکر سلطان بن‌علی منقذی از مهم‌ترین دوره‌های حکومت بنی‌منقذ در شیزر به شمار می‌رود. بنی‌منقذ در دوران این امیر، با اسماعیلیان و صلیبیان در ستیز و آویز بود. اسماعیلیان در منطقه شام به گرفتن قلعه‌های استوار برای تأسیس حکومتشان می‌پرداختند که شیزر از آنها به شمار می‌رفت. از این‌رو، امیران بنی‌منقذ توانستند خود را در برابر یورش‌های اسماعیلیان حفظ کنند.

حکومت بنی‌منقذ نخست می‌کوشید که بر پایه سیاستِ سازش با صلیبیان رفتار کند، اما بر اثر یورش‌های بعدی صلیبیان به آنان، سیاست امیر بنی‌منقذ دگرگون شد. درخواست کمک از سلطان سلجوقی و متحد شدن امیر بنی‌منقذ با دیگر حکومت‌های بومی شام بر ضد صلیبیان، از کارهای بعدی امیر بنی‌منقذ در برابر صلیبیان بود. راه‌برد

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

امیران بنی‌منقذ درباره صلیبیان در درازمدت تأثیرگذار بود و موجب پایداری ایـن حکومـت در برابر آنان شد. این حکومت سرانجام در پی زلزله‌ای بزرگ در شیزر، از میان رفت.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

کتاب‌نامه

۱. ابن‌اثیر، علی بن‌محمد (۱۳۹۹ ق/۱۹۳۲ م)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دارصادر.

۲. ابن‌تغری بردی (۱۳۸۳ ق/۱۹۶۳ م)، *النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره*، قاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومی.

۳. ابن‌حیوس (۱۹۵۱ م)، *دیوان ابن‌حیوس*، تحقیق خلیل‌مردم‌بک، دمشق، المجمع العلمی.

۴. ابن‌خلدون (۱۴۰۸ ق/ ۱۹۸۸ م)، *تاریخ ابن خلدون المُسمّی بدیوان المبتدا و الخبر فی تاریخ العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی السلطان الاکبر*، بیروت، چاپ خلیل شحاده و سهیل زکار.

۵. ابن‌خلکان، ابوالعباس شمس‌الدین احمد (۱۹۴۸ م)، *وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان*، تحقیق، محمدمحی‌الدین عبدالحمید، قاهره، بی‌نا.

۶. ابن‌خیاط (۱۹۵۷م)، *دیوان ابن‌خیاط*، تحقیق خلیل مردم بک، دمشق، المجمع العلمی العربی.

۷. ابن‌ظافر ازدی (۱۹۸۸)، *اخبار الدول المنقطعه*، تحقیق محمد الزهرانی. قاهره.

۸. ابن‌عبری، ابوالفرج (۱۹۵۸)، *تاریخ مختصر الدول*، بیروت، مطبعه الکاتولیکی.

۹. ابن‌عبری، ابوالفرج (۱۹۹۲ م)، *تاریخ الزمان*، ترجمه اسحق ارمله، بیروت، دار المشرق.

۱۰. ابن‌عدیم حلبی (۱۹۴۵-۱۹۶۸ م)، *زبده الحلب فی کتاب حلب*، تحقیق سامی دهّان، دمشق، معهد الفرنسی.

۱۱. ابن‌عدیم، کمال‌الدین ابوالقاسم عمر بن‌احمد (۱۹۷۶ م)، *بغیه الطلب فی تاریخ حلب*، آنکارا، جمعیه التاریخیه الترکیه، چاپ علی سویم.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]

۱۲. ابن‌قلانسی، ابویعلی حمزه (۱۹۰۸ م)، *ذیل تاریخ دمشق*، تحقیق آمدروز، بیروت، المکتبة الکاتولیکیه.
۱۳. ابن‌کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن‌عمر (۱۹۶۶ م)، *البدایه و النهایه فی التاریخ*، بیروت، بی‌نا.
۱۴. ابن‌منقذ، اسامه (۱۹۳۰)، *کتاب الاعتبار*، چاپ فیلیپ حتی، پرینستون.
۱۵. ابن‌منقذ، اسامه (۱۹۸۷)، *لباب الآداب*، بی‌جا، مکتبه‌السنه.
۱۶. ابن‌وردی، زین‌الدین (۱۳۸۹ ق/۱۹۷۰ م)، *تتمه المختصر فی اخبار البشر*، تحقیق احمد رفعت البدراوی، بیروت، انتشارات دار المعرفه.
۱۷. ابوالفداء، اسماعیل بن‌علی (۱۳۷۵ ق/۱۹۵۶ م)، *المختصر فی اخبار البشر (تاریخ ابوالفداء)*، بیروت، بی‌نا.
۱۸. ابوشامة، عبدالرحمان بن‌اسماعیل (۱۹۵۶ م)، *کتاب الروضتین فی اخبار الدولتین*، قاهره، چاپ محمد حلمی محمد احمد.
۱۹. انطاکی، یحیی بن‌سعید (۱۹۹۰ م)، *تاریخ انطاکی (معروف به صلة تاریخ اوتیخا)*، تحقیق عمر تدمری، طرابلس، بی‌نا.
۲۰. حموی، یاقوت (۱۳۳۹ ق)، *معجم البلدان*، بیروت، دار احیاء الثراث العربی.
۲۱. ـــــــــ (۱۹۰۷ م)، *معجم الادباء*، قاهره، بی‌نا.
۲۲. رانسیمان، استیون (۱۳۶۰)، *تاریخ جنگ های صلیبی*، ترجمه منوچهر کاشف، تهران.
۲۳. زکار، سهیل (۱۹۸۴)، *الحروب الصلیبیه*. دمشق، دار حسّان.
۲۴. شحادة، کامل (۱۹۸۱ م)، «قلعه شیزر ماضیها و حاضرها»، الحولیات الأثریة العربیة السوریة. ج ۳۱.
۲۵. شیخ الربوه دمشقی، شمس‌الدین (۱۹۲۳ م)، *نخبه الدهر فی عجائب البر و البحر*، تحقیق مهرن، چاپ لایبزیک.
۲۶. صالح مناع، هاشم (جمادی الأولی ۱۴۱۷)، «شیزر فی التراث و التاریخ»،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1392.1.11.2.8]